



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش کاریکاتور در بیداری مردم

دکتر ابوالفضل شکوری



کاریکاتوریک هنر است ، تباریه نقاشی می
رساند ولی هرگز نقاشی محسوب نمی شود.
از طنز نیز متمایز می باشد. نقد جامعه ، رجال
سیاسی ، اجتماعی ، مذهبی و... با برجسته
ساختن غیرعادی یکی از ابعاد و نقاط ضعف
آن پدیده یا شخصیت می باشد. کاریکاتور
به ظاهر بسیار زمخت ولی در مجموع بسیار
مهربان است. کاریکاتور نوعی آیینه قلم است
که با در آمیختن هنر با رسالت اجتماعی
وسیاسی و... واقعیت های تلخ را همراه با طنز به تصویر می کشد تا برای
همگان قابل تحمل باشد .

در تاریخ مطبوعات ایران ، کاریکاتور آغاز خوبی داشته ولیکن از روند تکاملی مطلوب



برخوردارنگر دیده است. گاهی یک کاریکاتور به اندازه ده ها مقاله و کتاب ایفای نقش نموده و پیام و آگاهی منتقل می سازد. در این جا چند نمونه از کاریکاتورهایی را که از یک صد سال پیش توسط ع. عظیم عظیم زاده ترسیم و در نشریه طنز و فکاهی ملانصرالدین و نیز کتاب هوپ هوپ نامه (به زبان ترکی) به چاپ رسیده کلیشه می کنیم تا هم نمونه هایی از آغاز کاریکاتور در مطبوعات ایران به دست آید و هم نقش گویا و رسای این هنر تصویری در اعتلای آگاهی های اجتماعی، دینی و سیاسی مردم ما نموده شود.

نخستین کاریکاتور مربوط به محمدعلی شاه قاجار است که براساس یک شعر طنز آمیز از شاعر نامدار عصر مشروطه در قفقاز میرزا علی اکبر طاهر زاده متخلص به "صابر" (۱) توسط یک کاریکاتوریست ترسیم شده است.



عنوان شعر صابر در این باره به زبان ترکی "سایر ام" است. یعنی حراج کرده ام، می فروشم می باشد. صابر از قول محمد علی شاه ضد مشروطه مطالبی را در قالب طنز آورده که خلاصه اش این است: من "محمد علی شاه" درری مغازه ای باز کرده ام که در آن همه چیز را به حراج گذاشته ام. از جمله جام جم، پرچم کیانیان، تخت قباد، قصر شیرین، میامی، سبزواری و همه خاک ایران و ملک ری را به معرض فروش و حراج گذاشته ام. هم چنین عرض و ناموس و سلطنت خاندانم قاجار



را به معرض فروش گذاشته ام و به هیچ کس مربوط نمی شود که انتقاد و اعتراض کند (۲)

کاریکاتور دوم مربوط به محاجه صابر با مردم شهر شیروان در آذربایجان می باشد که عوام الناس به گمان این که صابر به دلیل روزنامه نویسی و ترویج روزنامه خوانی وامثال این ها از دین خارج شده ، حمله آورده اند تا او را بکشند و او در مقام دفاع از خود و ایمان و اعتقادش به اسلام می گوید :

صاحب ایمانم آشروان لیلا ر

قائل قرآنم آشروان لیلا ر



یعنی ای اهالی شیروان من دارای ایمان بوده به قرآن مجید نیز اعتقاد کامل دارم اما تلقی من از مذهب با شما فرق می کند.

کاریکاتور سوم مربوط به نقد یک رفتار مرتبط با ازدواج های غیر هم نشان و نا متناسب در ادوار گذشته ایران است. این کاریکاتور یک نفر خان پیر فرسوده و بدهیکی را نشان می دهد که دختر کم سن و سالی را به خاطر (ثروت مند بودن



پیرمرد) به ازدواج خود در آورده است اما وقتی که او اراده می کند به دیدار نامزد عقد کرده خود برود ، دخترک بادیدن آن هیکل غول مانند دچار وحشت شده به آغوش مادرش پناه برده و می گوید .

دودکش کمی بیر پاپاغ باشیندا

آغ تو کلری بللی در قاشیندا

لاپ چوق قوجادر بابام باشیندا

اردودی، قاباندی قویما گلدی !

ترجمه : او کلاه سیاهی مانند دودکش بخاری بر سر دارد . موهای سفیدش قابل پنهان کردن نیست . بسیار بسیار پیر است ، هم سن پدر بزرگ من و هیکل ترسناک و گراز گونه دارد ، مادرم ، نگذار او به من نزدیک شود .



کاریکاتور دیگر به نقد برخی منازعات خصمانه و بی اساس مذهبی در میان مسلمانان پرداخته و آنان را به وحدت دعوت می کند و از این که همه مسلمانان دارای دین و ایمان واحد بوده ولی دچار تفرقه های بی مورد شده اند ابراز ناراحتی می کند .
در این کاریکاتور دوم رده ظاهر نخبه هستند که ریش هم دیگر را گرفته با کتاب بر سر هم می کوبند . شعر مندرج در ذیل آن از صابر چنین است :



با این که قرآن همه ما را به اتحاد فراخواند و نیز پیامبر عظیم الشان از تفرقه برحذرمان داشته است دو مسلمان را پیدانمی کنی که کاملاً متفق الرای باشند. با این که دین و آلام و ایمانشان یکی است .



خوانندگان محترم توجه داشته باشند که این کاریکاتورها در زمان خود بسیار مؤثر بوده اند و از میان حدود ۲۵ کاریکا تور و تصویر طنز موجود در هوب هوب نامه چاپ "ع. صحت" در قفقاز به عنوان نمونه انتخاب شده اند. فقط کاریکاتور مربوط به محمد علی شاه از هوب هوب نامه (زبان برای انقلاب) تالیف رحیم زاده ملک انتشارات سحر (اسفند ۱۳۵۷) انتخاب شده است. امیدوارم توفیق آن را داشته باشم که روزی همه تصاویر موجود در هوب هوب نامه را همراه با شرح و تفصیل اشعار صابر منتشر نمایم تا از این رهگذر فضای اجتماعی، سیاسی و مذهبی عصر مشروطه به صورت مصور و طنز آمیز به علاقمندان ارائه گردد. ■



پی نوشت ها:

- ۱- میرزا علی اکبر صابر طاهرزاده دراول ذیحجه سال ۱۲۷۸ ه.ق در شهرشماخی متولدشد ودر ۲۸ رجب سال ۱۳۲۹ هوق در گذشت. هوپ هوپ نامه اثرماندگاروی به زبان ترکی ودرقالب شعر راجع به اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ومذهبی ایران در آستانه انقلاب مشروطه است
- ۲- اصل این شعردرکتاب هوپ هوپ نامه ازصفحه ۱۱۶تا۱۱۸ چاپ قفقاز به اهتمام ع.صحت . سال ۱۹۱۲ م. مندرج است که درمقدمه اش مقاله بلندی به قلم صحت وبه زبان ترکی درشرح احوال صابر درج شده است .

